

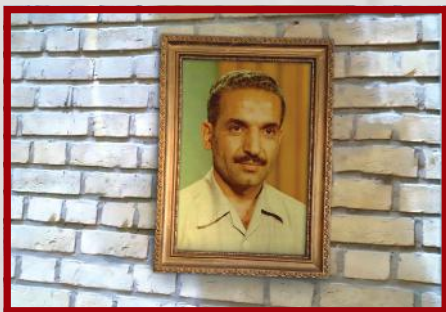
هر روز گذشته ای تلخ



تیلا پوربابا

برخی از کارشناسان نمونه‌های موجود در این موزه را برتر از «موزه مادام توسو» در لندن می‌دانند. جالب است بدانید که راهنمایان موزه، روزگاری زندانیان این شکنجه‌گاه بوده‌اند و زجرهای آن روز را با پوست و گوشت خود تجربه کرده‌اند. به همین دلیل شنیدن روایت آن روزها از زبان این افراد، تصویر دقیق‌تر و ملموس‌تری را در اختیار تان قرار می‌دهد.

معماری موزه عبرت



معماران آلمانی کار طراحی و ساخت زندان را برعهده داشتند که معماری بسیار پیچیده آن با چندین لایه حفاظتی، هیچ راه فراری برای زندانیان نمی‌گذاشت. کسانی که قصد فرار داشتند، در یکی از مسیرها گیر می‌افتادند و نمی‌توانستند راه ورود و خروج را تشخیص دهند. جالب اینکه در ساخت این سازه دقت شده بود که هیچ صدایی به آن وارد یا از آن خارج نشود! به دلیل همین ویژگی، کسی تا سال‌ها از وجود زندان ساواک در دل شهر خبر نداشت.

با اینکه صدایی از زندان به بیرون نمی‌رفت، پژواک فریادهای دردناک زندانیان به‌خوبی در دل زندان می‌پیچید که همین موضوع عامل دیگری برای شکنجه روحی و تضعیف روحیه زندانیان محسوب می‌شد. یکی از ویژگی‌های دیگر در معماری زندان، دستگاه تهویه پیچیده آن بود که باعث می‌شد در زمستان، هوای بسیار سرد و در تابستان، هوای به‌شدت گرم بر زندان حاکم باشد و گذران زندگی برای زندانیان دشوارتر شود.

شکنجه‌گاه «کمیته مشترک ضدخرابکاری سازمان اطلاعات و امنیت» رژیم ستم‌شاهی پهلوی، امروزه همچون خیلی از بقایای به‌جامانده از دودمان پادشاهی در ایران، به موزه تبدیل شده است. آنان که تلاش داشتند به‌عنوان قبیله عالم و شاه شاهان، بر سرزمین آریایی‌ها به‌طور نامحدود و تا ابد حکومت کنند، دست تقدیر بساط نیرنگشان را از میان برداشت و انقلاب اسلامی ملت ایران، ساختار نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله را برپید. شکنجه‌گاه کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک در مرکز شهر تهران قرار داشت که در آن نیروهای انقلابی را به فجیع‌ترین وضع ممکن شکنجه می‌کردند.

«موزه عبرت ایران»، با استفاده از همه اسناد و مدارک مکتوب و شفاهی موجود، بهره‌مندی از وجود مجرب‌ترین هنرمندان متعهد ایرانی، و با حفظ و بازسازی فضای آن زمان، سعی در به تصویر کشیدن حرکات و جنایات رژیم پهلوی و معرفی آن به نسل جوان و فراهم آوردن زمینه‌های پژوهشی برای محققان و اندیشمندان داخلی و خارجی داشته است.

موزه عبرت در حوالی میدان امام خمینی تهران، جایی است که شما را به سفری تلخ در تاریخ کشور می‌برد و از حال و روز زندانیان سیاسی در زمان پهلوی پرده برمی‌دارد. در این موزه، تاریخ سال‌ها شکنجه و آزار جسمی و روحی زندانیان به تصویر کشیده شده است و دیدن آن برای افرادی که به تاریخ علاقه دارند توصیه می‌شود. موزه عبرت در اصل اولین زندان مدرن ایران است که در دوران حکومت رضا شاه در سال ۱۳۱۱ توسط مهندسان آلمانی تکمیل شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بعداً به اولین زندان اختصاصی زنان تبدیل شد. این مکان که ساختمانی در «باغ ملی» تهران است، بعدها زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری نامیده شد و ساواک برای بازداشت و شکنجه زندانیان از آن استفاده کرد. سرانجام در سال ۱۳۸۱ به موزه تبدیل و افتتاح شد.

موزه عبرت ایران که همان زندان و شکنجه‌گاه سازمان اطلاعات و امنیت کشور در زمان محمدرضا شاه پهلوی (ساواک) است، امروزه تلاش می‌کند تا ظلم‌ها و ستم‌های رژیم پهلوی را به شکل مستند به تصویر بکشد و بازدیدکننده را با گوشه‌هایی از تاریخ معاصر کشور آشنا سازد. کار بازسازی و ساخت مجسمه‌ها آن قدر هنرمندانه صورت گرفته است که

روی دیوار راهروی ورودی زندان پلاک‌هایی نصب شده‌اند که اسم، تاریخ دستگیری و شغل زندانیان مبارز، از ابتدای تشکیل شکنجه‌گاه کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک و شهربانی دیده می‌شود. ۴۰۰۴ نفر به اتهام خیانت به شاه توسط ساواک دستگیر و در این محل شکنجه شده بودند.

اتاق افسر نگهبان



اتاق افسر نگهبان اولین جایی بود که زندانی به آن وارد می‌شد. در این مکان کار ثبت اطلاعات شخصی زندانی را انجام می‌دادند و همه لوازم او را می‌گرفتند. یک جفت دمپایی و لباس زندان تنها چیزی بود که به زندانی تحویل داده می‌شد و از اینجا به بعد باید چشمان زندانی بسته می‌ماند؛ مگر در حمام، دست‌شویی، سلول و اتاق‌های شکنجه.

محل نگهداری لباس‌های زندانیان



کمدهایی فلزی برای نگهداری لباس‌های زندانیان وجود داشت. لباس و همه لوازم شخصی آن‌ها در کیسه‌ای ریخته می‌شد و بر اساس شماره هر زندانی، در یکی از این کمدها قرار می‌گرفت.

عکاس خانه



بخش‌های متفاوت موزه عبرت

ورودی



در ابتدای ورود به موزه شاهد خودروی مأموران ساواک خواهید بود که از آن‌ها برای تعقیب و گریز و دستگیری استفاده می‌کردند. خودروهای پژو به دستگیری افراد عادی اختصاص داشتند و بنزهای ضدگلوله به‌منظور دستگیری افراد شرکت‌کننده در فعالیت‌های مسلحانه و چریکی به کار می‌رفتند. لیموزین‌های ارتشبد حسین فردوست، رئیس دفتر ویژه اطلاعات، و تیمسار نعمت‌الله نصیری، سومین رئیس ساواک نیز در این محل نگهداری می‌شوند.



از آنجا که همه سلول‌ها دارای لبه‌ها و قرنیزهای بلندی بودند و افراد با چشم بسته وارد زندان می‌شدند، نمی‌توانستند این لبه‌ها را ببینند و زمین می‌خوردند.

محل ملاقات زندانیان



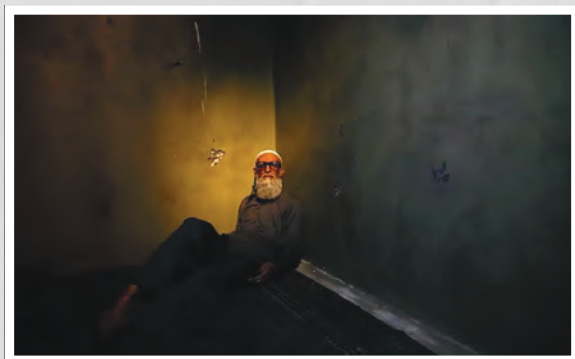
با اینکه اغلب زندانیان ملاقات ممنوع بودند، فضایی مجهز به تورهای حفاظتی در هر دو طرف وجود داشت که زندانی می‌توانست در حضور یک نگهبان با خانواده‌اش دیدن کند.

اتاق رئیس زندان



اتاق رئیس کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک به شکل همان دوران بازسازی شده و مجهز به وسایل ارتباطی، تخصصی و ... است. علاوه بر این، اعضای کمیته نقشه‌های عملیاتی را در این محل بررسی می‌کردند.

بند مشاهیر



در عکاس‌خانه از زندانی عکس می‌گرفتند تا آن را در پرونده‌اش قرار دهند. به این منظور ورقه‌ای از مشخصات زندانی روی بدنش قرار می‌گرفت و بعد مأمور مربوطه از او عکس می‌گرفت.

سلول های عمومی و انفرادی



ساختمان زندان علاوه بر چهار بند انفرادی که شامل ۸۶ سلول می‌شد، دو بند عمومی با ۱۸ سلول ۳۰ متری داشت که حدود ۲۵۰ زندانی را در خود جای می‌داد. هر چند در شرایط بحرانی سال ۱۳۵۷ تعداد بسیار بیشتری از مبارزان در این محل زندانی می‌شدند، به نحوی که در برخی موارد تعداد زندانیان یک سلول انفرادی به پنج نفر می‌رسید.



زندانیان به صورت نوبتی و به شکل کتابی استراحت می‌کردند و هر چهار ساعت یک بار اجازه رفتن به دست‌شویی داشتند. تنها وسیله گرمایشی سلول‌ها یک دستگاه بخاری کارگاهی بدون دودکش بود که کل فضا را پر از دود می‌کرد و باعث سیاه شدن رنگ دیوارها می‌شد. زندانیان را هر دو هفته یک بار به حمام می‌بردند. آن‌ها بعد از خروج از سلول، پشت سر هم به طرف حمام حرکت می‌کردند. از آنجا که در طول مسیر چشمشان بسته بود و جایی را نمی‌دیدند، دستشان را روی شانه نفر جلویی می‌گذاشتند. هر حمام برای استفاده چهار تا پنج نفر بود و فقط برای سه تا پنج دقیقه وقت استحمام داشتند.



اتاق اسلحه



یکی از اتاق‌های موزه به نمایش اسلحه‌ها، وسایل نظامی و ابزار جاسوسی آن دوران اختصاص یافته است. در بند چهار این زندان می‌توانید مروری بر حوادث و تحولات تاریخی ایران داشته باشید؛ حوادثی که بر تاریخ کشور و جریان‌های سیاسی و دولتی تأثیر چشمگیری داشته‌اند؛ مانند قیام ۱۵ خرداد یا کودتای ۲۸ مرداد. در یکی از سلول‌های این بند، مجسمه‌ای از پزشک احمدی - پزشک شهربانی زمان رضا شاه - را می‌بینید که قصد دارد با آمپول هوا یک زندانی را بکشد.

اتاق‌های شکنجه



در ادامه اتاق‌های شکنجه قرار دارند که با گذاشتن پیکره‌های نمادین زندانیان سیاسی، این واقعیت‌های تلخ ملموس‌تر شده‌اند. در اینجا زندانیانی را می‌بینید که آویزان شده‌اند یا دست‌های آن‌ها با دستبندهای فولادی بسته شده‌اند و در حال شلاق خوردن هستند. در اتاق مذکور انواع و اقسام شکنجه‌ها اعمال می‌شدند که تعدادشان به بیش از ۷۹ مورد می‌رسید و شامل شکنجه با کابل برق، شوک الکتریکی، المنت‌های روی تخت‌های فلزی و غیره می‌شد. یکی از متخصصان شکنجه در ساواک، فردی به نام محمدعلی شعبانی معروف به دکتر حسینی بود که سواد نداشت و در زمینه شکنجه کردن، بسیار حرفه‌ای بود.

بند مشاهیر یکی از بخش‌های جالب زندان است که چهره‌های سرشناس زندانی را معرفی می‌کند و مجسمه‌هایی از شهید بهشتی، شهید قدوسی، آیت‌الله طالقانی و شهید رجایی در اینجا به نمایش درآمده‌اند.

از چهره‌های سرشناس و معروفی که تجربه زندانی شدن را در این محل داشته‌اند، می‌توان به رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، سید محمد بهشتی، شهید رجایی و اسدالله لاجوردی اشاره کرد.

یادبودهای زندانیان



یادگاری‌های زندانیان آن دوران سیاه، از جمله گلدان کوچکی که خانم طاهره سجادی با خمیر نان در زندان درست کرده بود، در یکی از بخش‌های موزه نگهداری می‌شوند و این بخش یکی از بخش‌های جالب موزه است. گل رز روی این گلدان با قرص‌های آسپرین ساخته شده است و قسمت‌های سیاه با دوده بخاری نفتی، روی دیوار سلول رنگ‌آمیزی شده‌اند.



عکس و نام زندانیان سیاسی زن و مرد به‌عنوان چهره‌های ماندگار در بند سه موزه در معرض دید قرار دارد.

اتاق معرفی خاندان پهلوی

در بخشی از موزه عبرت شاهد تصویرهایی از خاندان پهلوی خواهید بود که امکان آشنایی بیشتر با آن‌ها را برای بازدیدکنندگان فراهم می‌کند.